

۲۴۹۲۵۲۲

دوره قاجار در آینه سه اثر
تاریخ ملک آرا، حقایق الاخبار ناصری و افسانه قاجار

دکتر سوسن یزدانی

www.ketab.ir

سرشناسه	یزدانی، سوسن، ۱۳۴۸-
عنوان و نام پدیدآور	دوره قاجار در آینه سه اثر تاریخ ملک‌آرا، حقایق الاخبار ناصری و افسانه قاجار/ سوسن یزدانی.
مشخصات نشر	تهران: ندای تاریخ، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری	۲۵۷ ص.؛ ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م.
شابک	978-600-8875-88-8
وضعیت فهرست نویسی	فیا
یادداشت	کتابنامه: ص. [۲۴۱] - ۲۵۱.
یادداشت	نمایه.
موضوع	ایران -- تاریخ -- قاجاریان، ۱۱۹۳ - ۱۳۴۴ ق. -- تاریخ‌نویسی Iran -- History -- Qajars, 1779 - 1925 -- Historiography
رده بندی در سه	PIR۳۵۲۵ :
رده بندی دیویی	۹۰۶۲/۸۴۰ :
شماره کتابشناسی ملی	۹۶۵۷۲۰ :



دوره قاجار در آینه سه اثر
تاریخ ملک‌آرا، حقایق الاخبار ناصری و افسانه قاجار
نویسنده: دکتر سوسن یزدانی
صفحه آرایی و نظارت: موسسه و انتشارات ندای تاریخ
طراح جلد: ندا آقاجانی
چاپ اول: ۱۴۰۳ تیراژ: ۵۰۰
شابک: ۹۷۸۶۰۰۸۷۷۵۸۸۸ ۹۷۸۶۰۰۸۷۷۵۸۸۸
ISBN: 8-88-8775-600-978
قیمت: ۱۹۰ هزار تومان
راه‌های ارتباطی:
تلفکس: ۰۲۱۶۶۴۰۹۰۲۵
سایت: <https://nedayetarikh.com/>
اینستاگرام: nedaye_tarikh
حق چاپ محفوظ و در اختیار موسسه و انتشارات

فهرست

۱	سر سخن.....
۷	شناختی از وضعیت سیاسی دوره قاجار.....
۸	سلسله قاجار.....
۳۵	شناختی از وضعیت فرهنگی و اجتماعی دوره قاجار.....
۳۵	چشم انداز.....
۴۳	از تاریخ نگاری تاریان ریخی در دوره قاجار.....
۴۳	چشم انداز.....
۴۵	تاریخ نگاری های عمده در دوره قاجار.....
۵۵	مهم ترین رمان های تاریخی فارسی سال های ۱۳۳۲-۱۲۸۴ش.....
۶۶	معرفی سه اثر برگزیده.....
۸۳	مبانی نظری.....
۸۳	مروری بر تاریخ نگاری سنتی.....
۸۷	مروری بر تاریخ نگاری جدید.....
۹۲	نقد ادبی با رویکرد تاریخ گرایی نو در مقایسه با تاریخ گرایی قدیم.....
۱۰۱	تاریخ ملک آرا.....
۱۰۱	چشم انداز.....
۱۰۲	علیقلی اقبال چلاوی در روایت شفاهی مردم چلاو آمل.....
۱۰۶	تاریخ ملک آرا و گفتمان مذهبی.....
۱۱۲	تحریف، تغییر و حذف در تاریخ نگاری اقبال چلاوی.....
۱۱۵	دشمنان قاجار به روایت اقبال چلاوی.....
۱۲۹	تاریخ ملک آرا و صدای خاموش زنان.....
۱۳۹	حقایق الاخبار ناصری.....
۱۳۹	چشم انداز.....

۱۴۰	حقایق الاخبار ناصری و گفتمان مذهبی
۱۴۶	صدای زنان در حقایق الاخبار ناصری
۱۵۱	تصویر مردم معترض در حقایق الاخبار ناصری
۱۵۵	پیشوایان مذهبی در حقایق الاخبار ناصری
۱۵۶	الف) اقلیت‌های مذهبی
۱۶۷	سانسور و توقف انتشار حقایق الاخبار ناصری
۱۷۳	رمان تاریخی حمزه سردادور (افسانه قاجار)
۱۷۳	چشم‌انداز
۱۷۴	نگاه: بسندگان رمان‌های تاریخی عصر پهلوی به دوره قاجار
۱۷۷	پیرک
۱۷۹	صدای زنان در رمان افسانه قاجار
۲۰۱	گفتمان پوشش و حجاب
۲۰۶	تصویر مردم در رمان افسانه قاجار
۲۱۶	رمان افسانه قاجار و گفتار مذهبی
۲۲۹	انجام سخن
۲۳۵	فهرست منابع و مآخذ
۲۴۲	مقالات
۲۴۷	نمایه اشخاص
۲۵۴	نمایه اماکن
۲۵۷	نمایه طوایف
۲۵۹	نمایه القاب

سر سخن

سرزمین ایران در طول تاریخ، شاهد حوادث و رویدادهای پر التهاب فراوانی بوده و حکومت‌های گوناگونی را تجربه کرده است. یکی از این دوره‌های پر آشوب، فروپاشی زندیان و در پی آن، استقرار حکومت قاجار است. این دوره، از دیرباز تا کنون در منابع تاریخی، ادبی و هنری، از زبان بسیاری از تاریخ‌نگاران، ادیبان و هنرمندان به گریه‌های مختلف روایت شده است.

به نظر می‌رسد هر یک از این روایت‌های تاریخی و ادبی بر جای مانده از گذشته، با یکی از یک‌های تاریخی تازه، با عنوان تاریخ‌گرایی نو، مستعد خوانشی تازه است زیرا در تاریخ‌نگاران نو، بر این باورند که متن‌ها تحت شرایط خاص سیاسی و فرهنگی در زبان تاریخ‌نگاران و ادیبان به نفع حکومت‌ها نگارش یافته‌اند و به‌طور خودآگاه یا ناخودآگاه از گفتارانی رایج در زمان نگارش متن تأثیر پذیرفته‌اند بنابراین از دیدگاه آنها روایت واقعی قابل دسترسی نیست و روایت‌ها خود نوعی قرائت و خوانش از سُرُس‌های موجودند. تاریخ‌گرایی نو کارش به نوعی ساخت‌زدایی از متن و برگزیدن شباهت‌های واقعی و ساختگی بین رویداد واقع و روایت متن است چنانکه در این دست مطالعات، پرسشگر چند و چون رابطه رویداد واقع و تاریخ روایت شده را - چه در متنی تاریخی و چه زمانی - می‌کاود. هیدن وایت از facts of fiction and fiction of facts یاد می‌کند. مؤرخانی گری به نوعی با استفاده از ابزارهای نقد، تلاش می‌کند تا این رابطه متقابل میان «fact» و «fiction» را بررسد.

یکی از فواید و امتیازات تاریخ‌گرایی نو بر تاریخ‌گرایی قدیم در آن است که این

۱. در ترمینولوژی تاریخی، سُرُس (source) به مجموعه چیزهایی گفته می‌شود که از گذشته برای ما باقی مانده است.

رویکرد با اراده برخی شواهد، به دنبال اسطوره‌سازی از کلان روایت‌ها نیست زیرا در تاریخ‌گرایی نو، نه تنها متن‌های به حاشیه رانده شده، کم اهمیت نیستند بلکه این روایت‌ها از آن نظر که قادرند تصاویر دیده نشده و صدا‌های خاموش تاریخ را بهتر به نمایش بگذارند و به سخن درآورند، از اهمیت بیشتری نیز برخوردارند. برای نمونه، آثار ادبی زنان در عصر قاجار، از دیوان‌های شعر گرفته تا سفرنامه‌های زنان و برخی خاطرات، در این رویکرد درخور اعتنا هستند. در واقع، تاریخ‌گرایی نو، نقد را از انحصار شماری از متن‌های شناخته شده خارج کرده، دامنه آن را به دیگر منابع هم گسترش داده است.

تاریخ‌پروها، دوره‌های تاریخ‌نگاری عصر قاجار را به دو دسته کلی تقسیم کرده‌اند، سنت نخست منابعی را شامل می‌شود که ادامه‌دهنده و تداوم‌بخش تاریخ‌نگاری سنت است، و دسته دوم آثاری را در برمی‌گیرد که در آن نشانه‌هایی از نوگرایی دیده می‌شود. سبب تاریخ‌ملک‌آرا، اثر علیقلی اقبال چلاوی (درگذشت: ۱۲۴۹ق)، شاعر و تاریخ‌نگار عصر فتح‌علی شاه قاجار، متعلق به دوره نخست و نمونه‌ای از تاریخ‌نگاری کاملاً سنتی است اما حقایق‌الاجبار ناصری نوشته محمدجعفر خورموجی (درگذشت: ۱۳۰۱ق)، از آثار برجای مانده از عصر ناصرالدین شاه، متعلق به دوره دوم تاریخ‌نگاری عصر قاجار است. البته شایان ذکر است، آثاری که در ابتدای این دوره طولانی (دوره دوم) نگارش یافته‌اند با آثار متأخرتر تفاوت‌های آشکاری دارند، حقایق‌الاجبار ناصری با توجه به برخی از آثار کاملاً نوگرایانه، در حدّ میانی، یا به عبارتی در برخی تاریخ‌نگاری این عصر قرار دارد و نسبت به تاریخ‌ملک‌آرا، اثری نیمه سنت‌گراست.

با آغاز جریان‌هایی نظیر رونق مدرسه‌های جدید، سفرنامه‌نویسی و خاطره‌نویسی، انتشار روزنامه‌ها، تداوم جریان ترجمه و به‌خصوص ترجمهٔ رمان‌های تاریخی، به‌مرور در افکار تاریخی این دوره، تحوّل‌های گسترده‌ای به وجود آمد. درست در همین سال‌ها بود که رمان تاریخی فارسی ظهور کرد و پس از سقوط قاجارها و روی کار آمدن حکومت پهلوی اول، با اندیشهٔ ناسیونالیسم ملی به رشد و شکوفایی رسید. یکی از این رمان‌های تاریخی در این دوره، رمان افسانهٔ قاجار نوشتهٔ حمزه سردادور (درگذشت: ۱۳۴۸ش) است، این رمان از نظر

زمان و مکان و موضوع، با حقایق الاخبار ناصری یکسان و منطبق است. آنچه که صاحب این قلم را بر آن داشت تا دو متن از متن‌های تاریخی رسمی عصر قاجار را با رویکرد تاریخ‌گرایی نو مورد مطالعه و بررسی قرار دهد، این بود که در خلال متن‌های رسمی بازمانده از این عصر می‌توان به برخی از مسائلی مهم از دریچه تاریخ‌گرایی نو پرداخت. از این حیث تاریخ ملک‌آرا متنی شایسته توجه خاص است. این اثر تاریخی که با تلاش زنده یاد دکتر جمشید قائمی و همکارانشان تصحیح، و در سال ۱۴۰۰ توسط انتشارات ندای تاریخ منتشر شد، حاوی مطالب ارزشمند و برخی نکته‌های منحصر به فرد تاریخی است. نگارنده تاریخ ملک‌آرا مانند بسیاری از تاریخ‌نگاران حکومتی از بیشتر کارکردهای زبان و روایت برای تحکیم پایه‌های قدرت حاکم، بهره گرفته و کلامش برخلاف آنچه که خود ابراز کرده، «خال» از تملقات منشیانه نیست، روایت اقبال چلاوی از تاریخ عصر قاجار به این منوال مورد بررسی دقیق‌تر قرار گرفت تا آشکار شود، اقبال چلاوی با چه شیوه‌هایی و تحت تأثیر چه گفتمان‌هایی به نگارش این بخش از تاریخ پرداخته است، کدام بخش‌ها سایه افکایدنولوژیک مورخ یا فرهنگ‌جامعه او در متن خاموش مانده یا کمتر دیده شده‌اند، و در نهایت، آیا می‌توان در متن، ضمن ستایش‌ها و تملق‌گویی‌های سنتی تاریخ‌نگار، لایه‌هایی پنهان از انتقاد و نكوهش از حاکمان وقت را یافت یا نه؟

در مقایسه با تاریخ ملک‌آرا، حقایق الاخبار تاریخی در دوره‌ای از تاریخ‌نگاری نوشته شد که افق‌های تازه‌تری در تاریخ‌نگاری سنتی تاریخی گشوده شده بود و این اثر به دلیل برخی ویژگی‌ها و بی‌پروایی‌های نگارنده در ثبت گزارش‌های تاریخی، از دیرباز مطرح، و تاکنون به قلم برخی از پژوهشگران عصر حاضر، البته بیشتر با نگاه تاریخ‌گرایی قدیم دآوری شد. از آنجا که این اثر بلافاصله پس از انتشار، مورد انتقاد و سانسور حکومت وقت قرار گرفت، مطالعه آن از این حیث درخور اهمیت است تا نشان داده شود قلم نویسنده، علی‌رغم ادعای تاریخ‌گرایان قدیم، مبنی بر شهرت مورخ به راستگویی و رعایت امانت در ثبت وقایع، محصور در چه گفتمان‌هایی از زمانه خویش بود و زنان، رعایا و نیز دشمنان حکومت، در روایت او چگونه به تصویر کشیده شده‌اند و در نهایت، چه بی‌پروایی‌هایی در کلام مورخ،

سبب سانسور و توقّف انتشار کتاب از سوی حکومت شده است؟
 اما اندیشه قرار دادن یک رمان تاریخی در کنار این دو متن تاریخی از آن رو شکل گرفت که در مطالعات تاریخ‌گرایی نو، متن‌های ادبی با متون تاریخی در یک تراز قرار می‌گیرند و به عبارتی شیوه رویارویی تاریخ‌گرایی نو با این متن‌ها یکسان است چرا که برخلاف نظر تاریخ‌گرایان قدیم - که ادبیات را در پرتو تاریخ، قابل فهم می‌دانستند - تاریخ‌گرایان نو تاریخ را هم در پرتو ادبیات قابل فهم می‌دانند. بنابراین متن‌های ادبی، از جمله رمان‌ها مانند منابع تاریخی، در برگیرنده گفتمان‌ها و خرده‌گفتمان‌هایی هستند که می‌توانند روایت و تفسیری از روزگاران گذشته ارائه دهند.

با این همه، همچنان از کنار هم قرار گرفتن دو متن تاریخی و یک متن ادبی، قدری واهمه‌ناکانه با نقد و اشاره دکتر عباس میلانی - که در نگاه نخست با خواندن مقدمه کتاب سانسور، در یادداشتی کوتاه، «انتخاب دو متن تاریخی و یک رمان تاریخی، و واکنش به پیوسته آنها» را «فکری درخشان» خواندند و آن را «مصدق دقیق همان حرکت و خط و هم‌پستگی متون مختلف و اشتراکشان در سرمایه‌های نمادین جامعه»^۱ برداشتیم - دیدیم را در این مسئله به یقین بدل کرد. اما دلیل انتخاب رمان افسانه قاجار از میان دیگر رمان‌های تاریخی، علاوه بر اهمیت بافتاری متن، و داشتن موضوعی یکسان با منابع تاریخی مورد مطالعه در این پژوهش، تأکید بر یکی از ویژگی‌های نویسنده این رمان تاریخی، در توجه به مخاطب عام نیز بوده است.

حمزه سردادور با آنکه از اطلاعات گسترده تاریخی، جغرافیایی و فرهنگی برخوردار بود و مخاطب خاص را در اختیار داشت اما آن‌طور که خود در مقدمه یکی از آثارش اشاره کرده است، نوشتن برای مخاطبان عام را ترجیح می‌داد، با این هدف که شمار بیشتری از مردم را با زبانی ساده با تاریخ و فرهنگ سرزمینش آشنا سازد، شاید همین انگیزه او و گروهی از نویسندگان دیگر سبب شده بود، رمان‌های تاریخی در این دوره با عنوان رمان‌های عامه‌پسند مورد بی‌مهری قرار گیرند، به‌طوری که «بی‌اعتنایی به رمان تاریخی یکی از شگفتی‌های غم‌انگیز عرصه ادب

۱. میلانی، عباس، در یادداشت و نقدی کوتاه بر بخش‌هایی از کتاب حاضر

و نقد رمان ایرانی است»^۱، در حالی که توجه ایرانیان به رمان‌های تاریخی در عصر مشروطه و پس از آن، درست مانند واکنش ایرانیان در عصر فردوسی، نوعی عکس‌العمل فرهنگی فرهیختگان ایرانی در برابر قدرت‌های خارجی و ضعف قاجارها بود^۲. این رمان‌های تاریخی از نظر پرداختن به برخی موضوعات تاریخی و اجتماعی حائز اهمیت‌اند.

علاوه بر این، تحلیل‌های تاریخ‌گرایی نو، برای متخصصان و هم برای عموم خوانندگان، قابل فهم و درک است، از این رو در نگارش کتاب حاضر سعی شده است علاوه بر حفظ پایه‌های نظری و توجه به نکته‌های علمی و پژوهشی، در حد امکان، از نظریه‌زدگی و افراط در آوردن عبارت‌های دشوار و غیر ضرور پرهیز شود تا کتاب، هم برای بیشتری از خوانندگان را با خود همراه کند، به همین دلیل برای آشنایی بیشتر عموم خوانندگان با تاریخ دوره قاجار، علی‌رغم رویکرد اصلی کتاب، در نگارش، وفور نخست، ناگزیر با شیوه تاریخ‌گرایی قدیم، روایتی کوتاه از تاریخ سیاسی و اجتماعی این دوره به دست داده شد.

به هر تقدیر، با توجه به آنچه رویکرد تاریخ‌گرایی نو در جهان و به‌خصوص در ایران - با وجود نمونه‌هایی از روش‌های انجام شده - هنوز هم نوباست و نسبت به دیگر حوزه‌های نقد ادبی - تاریخی، از لحاظ منابع نظری و به‌خصوص نمونه‌های نقد عملی، کم‌شمارتر و در نتیجه کم‌بینه‌تر است، باید اذعان کرد که پژوهش حاضر خالی از ضعف نیست و تنها تلاش - تجربه‌ای در راه دانش‌اندوزی بیشتر در این زمینه بوده است، از این رو امید است نقدها و اشاره‌های مفید پژوهشگران، استادان و دانشجویان علاقه‌مند به این حوزه از نقد، در آینده، نمونه‌های کامل‌تر و بی‌نقص‌تری در رویکرد تاریخ‌گرایی نو باشد. رمنتشر شود.

در پایان لازم به یادآوری می‌دانم، که هدف و انگیزه نگارشم از این پژوهش میان‌رشته‌ای - که بیشتر از دریچه ادبیات به تاریخ نگریسته شده است - با انگیزه نگارش دیگر پژوهش‌های چاپ شده‌ام در برخی مجلات علمی - پژوهشی یا مقاله‌های ارائه شده در برخی همایش‌ها و نیز نگارش کتاب ترانه در چنگ (بررسی

۱. میلانی، عباس، در یادداشت و نقدی کوتاه بر بخش‌هایی از کتاب حاضر

۲. پارسائسب، محمد، ۱۳۸۹، نظریه و نقد رمان تاریخی، تهران، چشمه، ص ۱۰۴

و مقایسه موسیقی شعر امیر خسرو دهلوی با حافظ)، با توجه به فراغت از برخی دغدغه‌های آکادمیک و دانشگاهی، کاملاً متفاوت بوده است.

و نکته آخر آنکه با توجه به دسترسی‌ام به روایت‌های شفاهی، درباره نویسنده تاریخ ملک‌آزاد منطقه چلاو آمل، این روایت را بر اساس آنچه از کودکی در ذهن داشتم، با نقل دلپذیر آقای علی هاشمی چلابی، از آگاهان خبره ادبیات شفاهی منطقه چلاو، در بخش پنجم تألیف حاضر بازنویسی و ثبت کردم، از راوی ارجمند این قصه شفاهی تاریخی، و از تمام کسانی که در انگیزه نگارش این کتاب، از آغاز تا پایان همراه بوده‌اند، به خصوص از آقای کامیار عابدی، پژوهشگر و منتقد ادبی، و هم‌دوره دانشگاهی قدیم، که ضمن بازخوانی پیش از انتشار این پژوهش، برخی نکته‌های علمی یا جزئی برای بهبود آن پیشنهاد کرده‌اند، و همچنین از دکتر عباس میلانی، مورخ ایران‌شناس، استاذ فراخوانده علوم سیاسی و مدیر برنامه مطالعات ایرانی در دانشگاه مستنورد، که فروتنانه برای بازخوانی و نقد بخش‌های تاریخ‌گرایی نو و زمانه تاریخی وقت گذاشته‌اند و با اشاره‌های ارزشمندشان راه گشایم در فهم بهتر این رویکرد اریخی بوده‌اند و نیز از مجموعه خوب انتشارات ندای تاریخ به خصوص از تلاش‌های خانم دکتر شقایق فتحعلی‌زاده و خانم دکتر رقیه آقابالا زاده در نشر کتاب صمیمانه سپاسگزارم.

سوسن یزدانی

تهران، اسفند ۱۴۰۲